

یادداشت

داده‌های آماری و بحران مشارکت و اشتغال زنان



محمد آخوندپور امیری

پژوهشگر حوزه مسائل ایران

پژوهشگران حوزه اجتماع بر این باورند که عرصه‌های اجتماعی در طول دهه‌های متعددی دستخوش تغییرات عیدیه‌ای خواهند شد و به همین منظور رصد لحظه‌به‌لحظه وضعیت عمومی جامعه از سوی نخبگان از اهمیت بسیاری برخوردار است. درباره علل اهمیت این موضوع نیز باید اذعان کرد که تغییرات رخ‌داده در بطن و متن جامعه، نیازمند معناکاو و نیازسنجی جمعیت انسانی از سوی ساختارهای تصمیم‌گیرنده و در پی آن تدارک شرایط بهینه در راستای انطباق میان خواسته‌های نیروهای اجتماعی و توان ساختارها در برآوردسازی این نیازها است. دقیقاً به‌همین‌منظور داده‌های آماری و توسل به پیمایش‌ها که هر چند سال یک بار به شکلی نظام‌مند انجام می‌شود، می‌تواند چراغ راهنمای خوبی برای عرصه سیاست‌گذاری در هر کشوری باشد که بر اساس آن با توجه به تغییرات رخ‌داده در طول یک دهه در عرصه اجتماع (متأثر از شرایط داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی) بتوان نسبت به تغییر در رویکردهای پیشین و تدوین سیاست‌های نوین اقدام شایان‌توجهی را به عمل آورد. حال با توجه به این مقدمه به سراغ وضعیت کنونی جامعه ایران خواهیم رفت تا مشاهده کنیم نتایج پیمایش‌ها و داده‌های آماری چه تغییری را در وضعیت اجتماعی و جمعیتی ایران نشان می‌دهد. بر اساس آمارهای منتشرشده از سوی مراکز پژوهشی (ازجمله مرکز پژوهش‌های مجلس)، جمعیت ایران در طول بیش از چهار دهه گذشته از ۳۶ میلیون نفر به ۸۴ میلیون نفر رشد داشته است. این در حالی است که ۴۲ میلیون نفر از جمعیت کنونی را زنان تشکیل می‌دهند. طبق همین آمار باید اشاره کرد که ۸۶ درصد زنان امروز جامعه در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به دنیا آمده‌اند. یعنی اساساً درصدا قابل‌ملاحظه‌ای از جمعیت زنان، دوران انقلاب و وضعیت آن زمان را به شکلی ملموس درک نکرده‌اند و تجربه تاریخی به شکلی غیرمستقیم و با مطالعه منابع در دسترس (در قالب کتاب و مقاله) یا شنیدن خاطرات شفاهی منتقل شده است. از دیگر سو آمارها نشان می‌دهد که نرخ مشارکت اقتصادی زنان در سال ۱۴۰۰ چیزی در حدود ۱۳/۳ درصد بوده است که در مقایسه با نرخ مشارکت اقتصادی مردان در همین سال که ۶۸/۷ درصد بوده است، حکایت از اختلاف قابل‌ملاحظه و چشمگیری دارد. باز آمارها درباره نرخ بی‌کاری جامعه زنان نیز تفاوت درخورناملی را میان دو جنس مرد و زن نشان می‌دهد. بر اساس داده‌های آماری، نرخ بی‌کاری زنان در جامعه ایران ۱/۶٪ گزارش شده است که در مقایسه با نرخ بی‌کاری مردان که ۷/۲ درصد عنوان شده، نشان از میزان بی‌کاری بیشتر زنان به نسبت مردان است. داده‌های آماری اطلاعات دیگری را نیز پیش‌روی ما قرار می‌دهد. نرخ بی‌کاری زنان جوان (تا ۲۵ سال) میزان ۲۸/۳ درصد را نشان می‌دهد، درحالی‌که نرخ بی‌کاری مردان جوان (تا ۲۵ سال) به میزان ۱۳/۸ درصد گزارش شده است. براساس یکی از آمارهای منتشرشده (بین سال‌های ۱۳۹۹-۱۴۰۰)، دومیلیون و ۱۰۴ نفر از جمعیت ایران از دانشگاه‌ها مشغول به تحصیل بوده‌اند که از این میزان، یک‌میلیون و ۴۱ هزار نفر آنان مرد و یک‌میلیون و ۶۲ هزار نفر آنان زن بوده‌اند. حال با اعلام این اعداد و ارقام چه نتیجه‌گیری معناداری را می‌توان دریافت؟ براساس آمارها درمی‌یابیم که زنان در سال‌های منظر به نسبت مردان بیشتر دانشجو شده‌اند؛ اما نرخ بی‌کاری آنان به نسبت مردان بیش از دوبرابر بوده است. از دیگر سو نرخ مشارکت پایین زنان در عرصه اقتصادی نیز نشان از عدم بهره‌مندی از مشارکت اقتصادی بخش قابل‌ملاحظه‌ای از جمعیت تحصیل‌کرده ایران (احتمالاً به خاطر سیاست‌های جنسیتی) می‌دهد. این نکته را نیز باید در نظر داشت که با توجه به این آمارها متعلق به سال‌های پیشین است، احتمالاً اعداد و ارقام تغییرات اندکی را نیز به خود دیده باشد. حال با توجه به داده‌های آماری منتشرشده و براساس نوعی تفسیر و معناکاو از اطلاعات آماری داده‌شده درمی‌یابیم که در یک دهه اخیر زنان بیشتری نسبت به مردان به امر تحصیل در دانشگاه‌ها مشغول شده‌اند. این به معنی آن است که زنان در جامعه امروز به نسبت دهه‌های پیشین از آگاهی و تحصیلات بالاتری بهره‌مند شده‌اند. حال زمانی که ارتقای میزان تحصیلات زنان در ایران امروز را در کنار میزان اشتغال آنان در عرصه فعالیت‌های گوناگون و مشارکت آنان (به نسبت مردان) در نظر می‌گیریم، وضعیت یفرنگ و نگران‌کننده‌ای را مشاهده می‌کنیم. قطعا کشورهایی که به دنبال اجرای فرایند توسعه به شکلی اصولی و نظام‌مند هستند، باید از تمامی ظرفیت‌های بالقوه خود بهره‌مند شوند. از دیگر سو تصور توسعه بدون بهره‌مندی از نیروی کارآمد تحصیل‌کرده و آموزش‌دیده امری محال است. حال با توجه به توسعه امر آموزش از بدو پیدایش نظام جمهوری اسلامی و ارتقای سطح تحصیلات جامعه زنان، آنچه در عمل شاهد و ناظر آن بوده‌ایم، عدم بهره‌مندی لازم از مشارکت زنان تحصیل‌کرده در مشاغل گوناگون است. حال باید این نتیجه را نیز به نتایج پیشین اضافه کنیم که ادامه این روند و تعمیق شکاف مشارکت براساس جنسیت، می‌تواند در بازتولید بحران‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در آینده نه‌چندان دور تأثیرات قابل‌ملاحظه‌ای از خود بر جای بگذارد که تبعات خطرناکی را متوجه هر دو عرصه سیاست و اجتماع خواهد کرد.

مریم شکرانی؛ صنایع نفت و گاز ایران برای حفظ و نگهداشت در وضعیت فعلی تا دو دهه آینده بالغ بر ۲۰۰ میلیارد دلار سرمایه نیاز دارند. این عددی است که بارها از زبان متولیان نفتی دولت‌های مختلف و کارشناسان بیان شده است؛ اما تحریم سبب شده که تأمین این ارقام کلان هفت خان رستم باشد و از آن سو برخلاف وعده‌های مکرر دولت سیزدهم نه روسیه و نه چین هیچ‌کدام سرمایه‌گذاری کلان و درخورتوجهی در صنعت نفت و گاز ایران انجام نداده‌اند. حالا دولتی که دهه‌کار بزرگ بانک‌هاست و سبب ناترازی منابع بانکی شده است، برای تأمین سرمایه مورد نیاز صنعت نفت و گاز دست به دامان صندوق توسعه ملی شده است؛ نهادهی که تا دیروز از خوردن کفگیر به ته دیک گزارش می‌داد و از بدهی صد میلیاردلاری دولت به این صندوق گزارش داده است.

نیاز به سرمایه ۲۷۵ میلیاردلاری صنعت نفت و گاز

صنایع نفت و گاز ایران به ارقام هفتگنی سرمایه نیاز دارد تا بتواند وضعیت فعلی را حفظ کند و نه ارتقا دهد. احمد رجبی، مدیر برنامه‌ریزی تلفیقی شرکت ملی نفت ایران، در ۲۲ دی ۱۴۰۲ در نخستین گردهمایی تخصصی و هم‌اندیشی مدیران برنامه‌ریزی شرکت ملی نفت ایران که در مشهد برگزار شده بود، اعلام کرد که «حدود ۲۷۵ میلیارد دلار سرمایه برای حفظ و نگهداشت تولید نفت خام و گاز از سال ۱۴۰۳ تا افاق سال ۱۴۲۰ نیاز است». او توضیح داد: «برای دستیابی به تولید روزانه ۵.۵ میلیون بشکه نفت در اقق ۱۴۱۰ و استمرار و نگهداشت تولید تا سال ۱۴۲۰ با مجموع سرمایه‌گذاری حدود ۱۵۰ میلیارد دلار برنامه‌ریزی شده است؛ همچنین برای دستیابی به تولید ۱.۵ میلیارد مترمکعب گاز خام در افاق ۱۴۱۰ و نگهداشت تولید تا سال ۱۴۲۰ با مجموع سرمایه‌گذاری حدود ۱۲۵ میلیارد دلار برنامه‌ریزی شده است. همچنین پیش‌بینی می‌شود با سرمایه‌گذاری حدود ۶۰۰ میلیون دلار تا پایان سال ۱۴۰۳، تولید نفت به سه‌میلیون و ۶۰۰ هزار بشکه در روز برسد و با سرمایه‌گذاری حدود سه میلیارد دلار تا پایان سال ۱۴۰۳ به حدود چهار میلیون بشکه در روز خواهد رسید». این ارقام کلان برای سرمایه‌گذاری در صنایع نفت و گاز در شرایطی مطرح می‌شود که دولت پیش‌ازاین بارها از امضای تفاهنامه‌های ۴۰ میلیاردلاری با گازبروم روسیه خبر داده و گفته بود چینی‌ها هم راغب به سرمایه‌گذاری در نفت و گاز کشور هستند؛ اما گازبروم روسیه نیامد و چین ترجیح داد سرمایه خود را به نفت و گاز کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس ببرد. در این شرایط دولت می‌گوید که منتظر رفع تحریم نمانده است و سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و گاز را با پیمانکاران و منابع داخلی پیش می‌برد.

در آخرین روزهای سال ۱۴۰۲ وزارت نفت خبر داد که قرارداد خاتم‌الامینا، مینا و چند شرکت دیگر مجموعاً به ارزش ۲۰ میلیارد دلار در پارس جنوبی سرمایه‌گذاری کرده‌اند. یک هفته بعد از امضای قرارداد گازر ۲۰ میلیاردلاری دولت ابراهیم رئیسی با شرکت‌های داخلی، وزارت نفت اعلام کرد که قراردادهایی به ارزش ۱۳ میلیارد دلار با شرکت‌های داخلی برای توسعه شش میدان نفتی امضا می‌کند تا تولید روزانه نفت را ۳۵۰ هزار بشکه افزایش دهد. بزرگ‌ترین این قراردادها شامل توسعه میدان مشترک نفتی آزادگان با عراق است که شرکت سایپونیک چین بعد از تحمیت‌های آمریکا این میدان را رها کرد و رفت. با تمام این اوصاف هنوز رقم سرمایه‌گذاری داخلی در میادین نفت و گاز فاصله زیادی با نیاز این صنایع به سرمایه دارد و خبرها حاکی از آن است که صندوق توسعه ملی، بانک‌ها و برخی صنایع مادر و غالباً خصولتی هم قرار است پای کار بایانند و در صنعت نفت و گاز سرمایه‌گذاری کنند.

صندوق توسعه ملی به میادین نفت و گاز آمد

در همین زمینه غلامرضا مصباحی‌مقدم، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام، به اینا گفته است که در آخرین جلسه مجمع در اسفند سال گذشته سرمایه‌گذاری صندوق توسعه ملی در بلااست نفت تصویب شده است و مدل سرمایه‌گذاری صندوق در پروژه‌های نفتی و گازی یک تأمین مالی خشک و خالی نیست و مدیریت و نظارت بر پروژه هم بر عهده صندوق خواهد بود. او در ادامه گفته است که «موضوع ورود صندوق توسعه ملی به



پروژه‌های نفتی قبلاً هم مصوب شده و مجمع تشخیص مصلحت این مصوبه را تأیید کرده است. تأکید بر این است که پروژه‌ها باید در بلااست نفت و گاز باشند و سرمایه‌گذاری در میادین مشترک در اولویت سرمایه‌گذاری قرار دارد. همچنین صندوق توسعه ملی می‌تواند از منابع مردم از طریق بازار سرمایه برای این پروژه‌های نفتی و گازی جذب سرمایه کند. مصباحی‌مقدم درباره نحوه سرمایه‌گذاری صندوق در پروژه‌های نفتی و گازی و مدل مشارکت و تأمین مالی آن هم گفته است: «عمده کار تأمین مالی است؛ اما نحوه تأمین مالی به این گونه مقرر شده که صندوق با به‌کارگیری بنگاه‌هایی که تخصص آنها تولید نفت و گاز است، به این پروژه‌ها ورود کند و قرار نیست صندوق توسعه ملی پیمانکاری کند. البته این‌گونه نیست که مدل سرمایه‌گذاری صندوق در پروژه‌های نفتی و گازی یک تأمین مالی خشک و خالی باشد و مدیریت و نظارت بر پروژه هم بر عهده صندوق خواهد بود. در واقع آن پروژه که با تأمین مالی صندوق در حال انجام است، جزء فعالیت‌های صندوق محسوب می‌شود؛ اما پروژه را شرکت‌های مجری انجام می‌دهند و سود و موضوعات این‌چنینی براساس قراردادهای IPC است و همان قراردادهای معمول متعارف را به کار می‌گیرند». خبر سرمایه‌گذاری صندوق توسعه ملی در صنعت نفت و گاز در حالی منتشر می‌شود که دولت پس از بدهی کشینگی که در بانک‌ها به بار آورده و موجب ناترازی منابع و مصارف بانک‌ها شده است، به صندوق توسعه ملی هم فشار زیادی وارد کرده و این صندوق را در وضعیت شکننده قرار داده است. در گزارشی که شه‌ریور ۱۴۰۲ منتشر شده، وزارت امور اقتصادی و دارایی اعلام کرده است که بدهی دولت به نظام بانکی که در سال ۹۲ و در آغاز به کار دولت یازدهم ۱۰۳ هزار میلیارد تومان بود، در سال ۱۴۰۰ با ۵۳۵ درصد رشد به ۶۵۵ هزار میلیارد تومان رسید. دراین‌میان وضعیت منابع صندوق توسعه ملی هم شکننده به نظر می‌آید. در نهم دی سال گذشته رضا محمدی، معاون بانکی و اعتباری صندوق توسعه ملی در نشست کمیسیون احداث و خدمات فنی و مهندسی اتاق ایران اعلام کرد که دولت و بنگاه‌ها وابسته به نهادهای عمومی غیردولتی آسیب بزرگی به صندوق توسعه ملی وارد کرده‌اند و صندوق توسعه ملی بیش از صد میلیارد دلار از دولت طلبکار است و ۳۶ میلیارد دلار به بخش خصوصی تسهیلات پرداخت کرده است که از این ۳۶ میلیارد دلار فقط نیمی از تسهیلات به بخش خصوصی واقعی پرداخت شده است و بدهی بخش خصوصی واقعی کمتر از دو میلیارد دلار است.

موافقان و مخالفان چه می‌گویند؟

بااین‌حال برخی کارشناسان به دست بسته کشور و تحریم اشاره می‌کنند و معتقد هستند برای حفظ وضعیت فعلی زیرساخت‌های انرژی چاره دیگری نمانده است.

حمید حسینی، عضو اتحادیه صادرکنندگان فراورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی این مصوبه را رخداد مثبت برنامه هفتم توسعه می‌داند و به پایگاه اطلاع‌رسانی صندوق توسعه ملی گفته «چند اقدام خوب در برنامه هفتم توسعه پیش‌بینی شده است. اقدام نخست این است که سرانجام امکان حضور شرکت‌های پتروشیمی و فولادی در بالادست صنعت نفت فراهم شد. بر این اساس شرکت‌هایی که به خوراک نیاز دارند، می‌توانند از طریق شرکت‌های E&P سرمایه‌گذاری کرده، گاز و نفت تولید کنند و از آن برای خوراک موردنیاز پالایشگاه خود استفاده کنند. این فرایند می‌تواند به توسعه بسیاری از میادین نفتی کوچک و بزرگ کشور کمک کند. دومین اصلاحی که صورت گرفته این است که اجازه حضور و شراکت سرمایه‌گذار در میدان مشترک نفتی داده شده است. با توجه به اینکه اغلب قراردادهای کشورهای همسایه در میادین مشترک نفتی مشارکتی است، در برنامه هفتم به سرمایه‌گذار اجازه حضور و شراکت در میادین مشترک نفت و گاز داده شده است و سرمایه‌گذاران در درازمدت می‌توانند در میادین حضور داشته باشند و سومین اتفاق مثبتی که در برنامه هفتم توسعه دیده شده و مورد تأیید مجمع تشخیص مصلحت نظام و شورای نگهبان

قرار گرفته، حضور صندوق توسعه ملی در پروژه‌های بالادست صنعت نفت است. باید توجه داشت‌که یکی از بهترین اقداماتی که می‌توان برای خروج کشور از وضعیت کنونی انجام داد، افزایش تولید و صادرات نفت خام است؛ زیرا ارزش افزوده بالایی برای صنعت ایجاد می‌کند».

او در ادامه تأکید کرده است: «ممکن است صنعت فولاد شش میلیارد دلار صادرات داشته باشد اما پنج میلیارد دلار برای آن هزینه شده است. درحالی‌که ممکن است قیمت جهانی نفت ۸۰ دلار باشد و نفت با قیمت ۸۰ دلار به فروش برسد اما هزینه‌های استخراج و بهره‌برداری بین ۱۰ تا ۱۵ دلار باشد.

به عبارت دیگر حدود ۵۵ میلیون دلار ارزش افزوده به اقتصاد کشور بازمی‌گردد. به همین دلیل استفاده از منابع صندوق توسعه ملی برای توسعه میادین نفتی و گازی برای شرکت ملی نفت بسیار تأثیرگذار است و این شرکت نفت می‌تواند تولید خود را افزایش دهد». حسینی همچنین با تأکید بر اینکه عمده رشد اقتصاد در سال گذشته به دلیل رشد بخش نفت بوده، گفته است: «تولید نفت در سال گذشته از دو میلیون و ۸۰۰ هزار بشکه به سه‌میلیون و ۴۰۰ هزار بشکه افزایش داشته است. طبق برنامه هفتم توسعه، در سال جاری بانک‌ها هم برای حضور در میادین نفتی مجوز گرفتند و می‌توانند در سرمایه‌گذاری در میدان یکپارچه آزادگان حضور داشته باشند. حضور بانک‌ها در کنار صندوق توسعه ملی در میادین نفتی به افزایش تولید نفت و گاز کشور کمک خواهد کرد». عضو اتحادیه صادرکنندگان فراورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی در ادامه با بیان اینکه تجربه صندوق توسعه ملی در وام‌دادن به شرکت‌های دولتی سال جاری بانک‌ها هم برای حضور در میادین نفتی مجوز گرفتند و می‌توانند در سرمایه‌گذاری در میدان یکپارچه آزادگان حضور داشته باشند. حضور بانک‌ها در کنار صندوق توسعه ملی در میادین نفتی به افزایش تولید نفت و گاز کشور کمک خواهد کرد». عضو اتحادیه صادرکنندگان فراورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی در ادامه با بیان اینکه تجربه صندوق توسعه ملی در وام‌دادن به شرکت‌های دولتی سال گذشته شاهد کمترین نوسانات در بارز نفت بودیم و هر فردی در این حوزه سرمایه‌گذاری کرد ۱۵ درصد سود کسب کرده است. با توجه به قراردادهای IPC حضور در بالادست صنعت نفت می‌تواند سود خوبی برای صندوق داشته باشد. همان‌طوره‌ک آقای غضنفری اعلام کرده است، صندوق توسعه ملی با سرمایه‌گذاری در برخی میادین می‌تواند با همکاری شرکت ملی نفت باعث افزایش تولید نفت شود». حسینی با اشاره به برخی انتقادات درباره حضور صندوق توسعه ملی در بخش بالادست نفت گفت: «انتقاداتی مطرح می‌شود مبنی بر اینکه صندوق توسعه ملی با حضور در بالادست صنعت نفت به یک شرکت بزرگ پیمانکاری تبدیل شود، سازمان و تشکیلات داشته باشد و پرسنل استخدام کند. درحالی‌قرار نیست صندوق توسعه ملی مجری پروژه نفتی باشد و کار اجرایی پروژه را به شرکت‌های E&P واگذار می‌کند. درواقع صندوق توسعه ملی قرار است روی عملکرد شرکت‌های E&P نظارت کند. این صندوق ممکن است بعداً به بحث فروش و معامله نفت خام و گاز وارد شود اما در این مرحله قرار نیست کار پیمانکاری انجام دهد و با شرکت‌ها رقابت کند. صندوق توسعه ملی با برخی از شرکت‌های E&P توافق کرده و آنها را تأمین مالی می‌کند. نه قرار است شرکت نفتی وام دهد. باشد و نه قرار است با بهره بالا به شرکت‌های نفتی وام دهد.

سودآورترین صنعت در ایران صنعت نفت است و نباید نگران حضور صندوق توسعه ملی در این صنعت باشیم. این صندوق با استفاده از توان پیمانکار و شرکت‌های نفتی شرایط را برای توسعه پایین دست صنعت نفت فراهم می‌کند».

سعید ساوینز، کارشناس انرژی اما با اشاره به نقش و کارکرد صندوق توسعه ملی به «شرق» می‌گوید که صندوق توسعه ملی مانند نروژ یا سایر کشورهایی که از این سازوکار برخوردار هستند، نقش وام‌دهنده را دارد اما در ایران منابع صندوق توسعه ملی بدون هیچ برنامه و حساب و کتابی برداشت شده و درحال‌حاضر بدهی سنگینی روی دست این نهاد مانده است.

او در ادامه تأکید می‌کند که در گذشته سرمایه کلانی برای توسعه پارس جنوبی هزینه شد و درنهایت گاز آن به‌صورت ارزان‌قیمت در اختیار صنایع رانتی گذاشته شد. درحال‌حاضر هم سرمایه‌گذاری و قرارداد غیرشفاف با صندوق توسعه ملی می‌تواند باعث بروز مشکلات گسترده در نهادهی شود که کمترین نظارت ممکن روی آن وجود دارد. او در ادامه تأکید می‌کند به‌جز این ورود صندوق توسعه ملی به بازار نفت و گاز به نوعی موزای‌کاری در فروش نفت و گاز است؛ چنان‌که درحال‌حاضر بسیاری از نهاده‌ها وارد این بازار شده‌اند و در بازار کوچک و محدود نفت و گاز تحت تحریم ایران، رقابت برای ارزفروشی منابع کشور شکل می‌گیرد. این کارشناس در انتها تأکید می‌کند که واگذاری این عرصه به صندوق توسعه ملی به مثابه تکرار ماجرای شرکت نفت ایران و انگلیس اما با نهادهای داخلی و مهارنشدن‌تر خواهد بود.

گزارشی از فعالیت دولت برای تأمین سرمایه مورد نیاز صنایع نفت و گاز از طریق صندوق توسعه ملی

کج‌راهه سرمایه‌گذاری؟

بازتاب

پاسخ شرکت مدیریت منابع ایران به گزارش «شرق»

شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع ایران در واکنشش به گزارش «شرق» با تیتیر «اتلاف سرمایه‌های آب» که در تاریخ ۱۲ اسفند ۱۴۰۲ منتشر شده است، توضیحاتی را ارسال کرده که در ادامه می‌خوانید: وضعیت اقلیمی کشور، ترکیبی از شرایط خشکسالی و ترسالی است. در مواقع خشکسالی، برخی کمبود آب را ناشی از افراط در توسعه منابع آب و فقدان مدیریت جامع آب می‌دانند و عده‌ای دیگر، در زمان سیلاب، آب‌گرفتگی معابر را کوتاهی در توسعه منابع آب و هدررفت آب به دلیل نبود برنامه‌ریزی در مصرف آب تلقی می‌کنند.

در هر حال، توازن در مدیریت منابع آب، به نحوی که در مواقع خشکسالی یا ترسالی بتوان ضمن تأمین آب مورد نیاز بخش‌های مختلف، از ایجاد خسارت ناشی از کمبود آب یا وقوع سیل و آب‌گرفتگی جلوگیری کرد، ضروری و اجتناب‌ناپذیر است.

همان‌طور که در قانون، اسناد بالادستی و سند توسعه چشم‌انداز نظام جمهوری اسلامی مشخص شده است، یکی از وظایف مهم وزارت نیرو، استحصال و بهره‌برداری از منابع آب سطحی و رواناب از روش‌های مختلف ازجمله ساخت و اجرای سازه‌های هیدرولیکی نظیر سدهای مخزنی و طرح‌های کوچک ذخیره آب است. کارکرد این پیکره‌های آبی در منطقه جنوب کشور علاوه بر ایجاد منابع ذخیره آب، بهره‌برداری از آب‌های سطحی نابهنگام و افزایش قدرت تنظیم، تسکین و مهار سیلاب‌های مخرب منطقه است. این ویژگی با توجه به وضعیت اقلیمی طبیعی مناطق جنوب کشور بر اثربخشی این سازه‌ها افزوده است.

آبرسازه سدها، معمولاً با توجه به رژیم سیلاب‌های ویرانگر رودخانه‌ها به‌ویژه در مناطق جنوبی کشور، تأخیر و مهار سرعت و شدت سیلاب‌های بزرگ را بی‌اثر یا کم‌اثر کرده و موجب مهار و ورود جریان تسکین‌یافته به رودخانه‌های پایین‌دست می‌شوند؛ ازاین‌رو ساخت سدهای مخزنی به‌عنوان یکی از راهکارهای مهار و مدیریت سازه‌ای سیلاب در حوضه آبریز بلوچستان جنوبی همواره مورد توجه بوده است و به‌همین‌دلیل سدهای مخزنی نظیر پیشین، زیردان، خیرآباد، شی کلک، شوری کور و کبیر با هدف مهار و کنترل سیلاب، تأمین آب مورد نیاز مصارف شرب و کشاورزی، تأمین نیازهای محیط زیست و عمران آبادانی منطقه احداث شده و نقش و کارکرد سدهای یادشده در کنترل و مهار سیلاب‌هایی با جریان‌های هم‌افزایی جریان سیل، موجب کاهش جدی خسارت‌های مناطق پایین‌دست را فراهم کرد و ساخت بندهای باهوکلات و مطالعات سدهای مخزنی کاربانی و قصرقد نیز در دستور کار قرار دارد.

همچنین برای عبور ایمن سیلاب در رودخانه‌ها در بالادست و پایین‌دست سدها، انجام مطالعات حد بستر و حریم رودخانه‌ها، آزادسازی تصرفات غیرقانونی در حریم آبریه‌ها، پیگیری رفع مشکلات آب‌گذری و اصلاح شرایط فنی رودخانه در محل پل‌ها و سازه‌های تقاطعی از طریق دستگاه‌های اجرایی مربوطه، انجام عملیات مستمر لایروبی و بازگشایی و احداث سازه‌های سیل‌بند و دیواره‌های ساماندهی برای جلوگیری از تخریب ناشی از سیلاب ازجمله وظایف وزارت نیرو است که در همه مناطق کشور به‌ویژه حوضه‌های جنوبی، پروژه‌های مذکور را در دست اجرا دارد.

www.sharghdaily.ir

نوبت دوم

آگهی ارزبایی گیتی مناقصه عمومی

دو مرحله ای به شماره ۰۷۵/۱۴۰۲/ف

شرکت ملی نفت ایران

تأمین دکل حفاری دریایی ۳۰۰ فونی جهت ارائه شرکت نفت فلات قاره ایران

خدمات در مناطق عملیاتی شرکت نفت فلات قاره ایران

شرکت نفت فلات قاره ایران در نظر دارد فراخوان ارزیابی کیفی مناقصه فوق الذکر را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری فراخوان مناقصه صرفاً از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir و شماره فراخوان ۰۲۰۲۰۹۲۶۳۱۰۰۵۲۸ انجام خواهد شد و کلیه آگهی ها و دعوت نامه ها، تغییرات، اصلاحات و ... صرفاً از طریق سامانه ستاد به اطلاع مناقصه گران رسانده می شود. لازم است پیشنهاد دهندگان در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در فراخوان محقق سازند و بصورت منظم جهت دریافت دعوت نامه ها، تغییرات، اصلاحات به سامانه ستاد مراجعه نمایند.

اطلاعات تماس: دستگاه مناقصه گراز: تلفن: ۰۲۱-۲۳۹۴۲۵۲۱

اطلاعات تماس: سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت: دفتر ثبت نام: ۰۲۱-۸۸۹۶۹۷۳۸ و ۸۵۱۹۳۷۶۸

مرکز تماس: ۰۲۱-۱۴۵۶

شاسه آگهی ۰۶۸-۱۶۸۷

روابطه عمومی شرکت نفت فلات قاره ایران

نوبت اول

آگهی ارزیابی کیفی مناقصه عمومی

دو مرحله ای به شماره ۰۷۵/۱۴۰۲/ف

شرکت ملی نفت ایران

تأمین دکل حفاری دریایی ۳۰۰ فونی جهت ارائه شرکت نفت فلات قاره ایران

خدمات در مناطق عملیاتی شرکت نفت فلات قاره ایران

نوبت دوم

آگهی ارزیابی کیفی مناقصه عمومی

دو مرحله ای به شماره ۰۷۵/۱۴۰۲/ف

شرکت ملی نفت ایران

تأمین دکل حفاری دریایی ۳۰۰ فونی جهت ارائه شرکت نفت فلات قاره ایران

خدمات در مناطق عملیاتی شرکت نفت فلات قاره ایران

نوبت اول

آگهی ارزیابی کیفی مناقصه عمومی

دو مرحله ای به شماره ۰۷۵/۱۴۰۲/ف

شرکت ملی نفت ایران

تأمین دکل حفاری دریایی ۳۰۰ فونی جهت ارائه شرکت نفت فلات قاره ایران

خدمات در مناطق عملیاتی شرکت نفت فلات قاره ایران

نوبت دوم

آگهی ارزیابی کیفی مناقصه عمومی

دو مرحله ای به شماره ۰۷۵/۱۴۰۲/ف

شرکت ملی نفت ایران

تأمین دکل حفاری دریایی ۳۰۰ فونی جهت ارائه شرکت نفت فلات قاره ایران

خدمات در مناطق عملیاتی شرکت نفت فلات قاره ایران

نوبت اول

آگهی ارزیابی کیفی مناقصه عمومی

دو مرحله ای به شماره ۰۷۵/۱۴۰۲/ف

شرکت ملی نفت ایران

تأمین دکل حفاری دریایی ۳۰۰ فونی جهت ارائه شرکت نفت فلات قاره ایران

خدمات در مناطق عملیاتی شرکت نفت فلات قاره ایران

نوبت دوم

آگهی ارزیابی کیفی مناقصه عمومی

دو مرحله ای به شماره ۰۷۵/۱۴۰۲/ف

شرکت ملی نفت ایران

تأمین دکل حفاری دریایی ۳۰۰ فونی جهت ارائه شرکت نفت فلات قاره ایران

خدمات در مناطق عملیاتی شرکت نفت فلات قاره ایران

نوبت اول

آگهی ارزیابی کیفی مناقصه عمومی

دو مرحله ای به شماره ۰۷۵/۱۴۰۲/ف

شرکت ملی نفت ایران

تأمین دکل حفاری دریایی ۳۰۰ فونی جهت ارائه شرکت نفت فلات قاره ایران

خدمات در مناطق عملیاتی شرکت نفت فلات قاره ایران

نوبت دوم

آگهی ارزیابی کیفی مناقصه عمومی

دو مرحله ای به شماره ۰۷۵/۱۴۰۲/ف

شرکت ملی نفت ایران

تأمین دکل حفاری دریایی ۳۰۰ فونی جهت ارائه شرکت نفت فلات قاره ایران

خدمات در مناطق عملیاتی شرکت نفت فلات قاره ایران